

متن پیاده سازی شده

بسم الله الرحمن الرحيم

عرض شد که یکی از آیاتی که برای عدم حجیت ظواهر اقامه شده است به این مضمون است: آیات قرآن محکم دارد و متشابه و ظواهر هم جزء متشابهات است که نباید اخذ شود. عرض شد که اگر قرار است عمل به ظواهر نکنیم همین آیه هم جزء ظواهر است و لذا نباید به این آیه هم عمل شود.

مرحوم صدر جواب داد اگر قرار است این آیه خودش را هم بگیرد لغویت پیش می آید چرا که در این صورت افاده معنایی نمی کند. مرحوم صدر می فرماید این آیه ربطی به ظواهر و روند محل بحث ندارد؛ روند محل بحث این است که فقیهی بر می خورد به آیه ای که ظهور دارد مثل لا تقریوهن حتی یطهرن... تمام مولفه ها مثل تخصیص و تقیید و... را جستجو میکند و بعد از این موارد، به ظهور عمل می کند؛ این چه ربطی به آیه ای اما الذین فی قلوبهم زیغ دارد؟

آیه از کسانی ملامت می کند که دنبال متشابهات می افتند و انگیزه ابتغاء فتنه دارند اما فقهای که به دنبال کشف شریعت هستند و به ظواهر عمل می کنند اینها که مصداق آیه نیستند.

به تعبیر دیگر: آیه از دو جهت متفاوت است با مدعای بحث ما؛

1: از جهت روشی: چون فقیه، اول کاری که می کند دنبال محکومات می رود و از مقید و مخصص و... فحص می کند پس روش کار فقیه با مصداق این آیه متفاوت است.

2: از جهت انگیزه: قرآن روی (ابتغاء الفتنه) تاکید میکند درحالی که فقیه ما ابتغاء الفتنه ندارد؛ بنابر این آیه مرتبط با مورد بحث ما نیست.

ما معمولاً کلمات بزرگان را نقل می کنیم یک اقول از خودمان داریم؛ به نظرم دوستان راجع به اینکه متشابه ظواهر را می گیرد یا نه؟ باید بحث کنیم.

ظواهر به نصی گویند: که حداقل دو معنا در آن محتمل است و یک معنا غالب است؛ رجحان هم باید محسوس باشد و اگر راجح نباشد به آن مجمل گویند؛ مثلاً به 53% ظاهر نمی گویند.

متشابه یعنی چه؟ در فقره و ابتغاء تاویل... مراد از تاویل چیست؟

متشابه یعنی لفظِ مردد بین دو معنا، ولو این دو معنا برابر نباشد یعنی نسبتش به لفظ علی السویه نباشد مثلاً 60% در مقابل 40% باشد در این صورت ظهور هم داخل در متشابه می شود مثال: لا ربا بین الوالد و ولده این مردد بین دو معنا است.

1: برداشت اول: ربا نیست یعنی ربا در بین پدر و فرزند حلال است.

2: ربا نیست: یعنی خیلی زشت است و بین پدر و فرزند که اینها نباید باشد.

اما اگر متشابه را اینگونه معنا کنیم: لفظ مردد بین دو معنا، که به طوری مساوی به لفظ دلالت دارند؛ این را مجمل گویند، در

این صورت ظهور داخل در متشابه نمی باشد؛ مرحوم آقای خویی هم متشابه را اینگونه معنا می کند.

متشابه باب تفاعل است و دلالت بر دو طرفه بودن دارد و تشابه یعنی مشابهت دو طرفه. آقای خویی: استاد علیدوست: محتوای آقای خویی فنی نیست چرا که اینکه در متشابه باید کاملاً دو معنا مساوی باشند نسبت به لفظ، را نمی شود پذیرفت؛ ما سوال می کنیم آیا این تساوی را ایشان از باب تفاعل می فهمد یا از ماده تشابه؟

باب تفاعل اقتضای صدور دو طرف را دارد تخصیص زید عمرو... یعنی هر دو به هم حمله کردند یا هر دو به هم ناسزا گفتند، اما از کجا در می آید که به طور مساوی به هم حمله کردند یا ناسزا گفته اند پس کلام آقای خویی صحیح نمی باشد. گفته شد که

معنای تاویل هم باید بیان شود؛ اخباری ها تاویل را این می دانند که انسان لفظ متشابه را بگیرد و جوری معنا کند. استاد علیدوست: اصلاً تاویل آیا استنباط معنا از لفظ است یا تاویل یک کار بیرونی است؟ مثلاً یک حادثه در خارج واقع شود بعد بگویند این همانی است که قرآن می فرمود. اگر تاویل را اینگونه معنا کنیم (تاویل کار بیرونی است)، تاویل یعنی گشتن به دنبال تعینات معنا نه استخراج معنا از لفظ؛ دقت شود: تاویل تفسیر نیست.

قرآن می فرماید اینها تاویل را طلب می کنند (ابتغاء تاویله)

الحمد لله رب العالمین